روزنامه همدلی
روزنامه سیاسی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ _ ۳ ذیقعده ۱۴۴۵_ ۱۲ می ۲۰۲۴
سال نهم _ شماره ۲۴۱۶ _ ۸ صفحه _ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

«همدلی» درستی آمارهای کاهش طلاق را بررسی می‌کند

آمارسازی طلاق به سبک دولتی‌ها!

همدلی| گروه اجتماعی: بعد از اینکه سازمان ثبت احوال کشور اعلام کرد که پس از سه دهه، آمار طلاق در کشـــور روند کاهشی به خود گرفته است، این اظهار نظر با واکنش های متفاوتی از سوی بسیاری از کارشناسان و چهره ها از جمله وزیر پیشین ارتباطات این آمار را دروغی خوانده و به آن واکنش نشـــان دادند.سال گذشـــته مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال، اعلام کرد که ۲۰۱ هزار و ۴۶۸ رویداد طلاق در پایگاه اطلاعات جمعیت کشور به ثبت رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن (۱۴۰۱) ۳ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

صفحه ۴

رئیس پلس راهور:

رقم جرائم فعلا تغییر نکرده است

۴

سید محمد خاتمی:

مهمترین تهدید، وضع زندگی مردم و ناامیدی از آینده است

همدلی| «سیدمحمدخاتمی» گفت: حاکمیت با این اقتصاد نابسامان و تورم و گرانی افسارگسیخته و افزایش بی رویه فقر، ... نباید فرصت‌ها را از دست بدهد و بهتر است این پیروزی را مستمسکی برای ارتباط عزت مندانه با جهان و آشتی ملی در داخل کشور قرار دهد و درصدد رفع نارضایتی های جامعه که اتفاقا در کاهش مشارکت در انتخابات اخیر بروز و ظهور پیدا کرد، باشد.

۲

رئیس کل بانک مرکزی:

انتشار اطلاعات موسسه "مصاف" غیر قانونی است!

۳

کنایه آیت‌الله دوزدوزانی به مدعیان زهد

۲

قناعت به قدرت، بالیدن به مشارکت حداقلی؛

سرگیجه در آرایش سیاسی مجلس دوازدهم

همدلی| آرزو بخشـــنده: دوازدهمیـــن دوره انتخابات مجلس با اعلام نتایج در شـــنبه(دیروز) به ایستگاه پایانی رسید و وضعیت ۲۹۰ کرســـی تعیین تکلیف شد. بعد از ردصلاحیت‌های گســـترده در دو انتخابات گذشته و ادامه روند یکدست‌ســـازی به نظر می‌رسد موضوه انتخابات در ایران وارد مرحله جدیدی شـــده و در دوره‌های بعد باید منتظر تصمیم‌سازی مقام‌ها در این‌باره بود. اینکه مشارکت حداقلی یک انتخاب از سوی حکمرانی بوده یا قدرت‌های جانبی ضرورت برگزاری یـــک انتخابات بدون چالش، اما کمرنگ را تجویز کرده‌اند، هنوز معلوم نیســـت. اصرار بر مشارکت حداکثری و حماسه خواندن مشارکت ۸درصدی در تهران از ســـوی وزارت کشـــور این ذهنیت را به یقین نزدیک می‌کند که یک انتخابـــات جمع وجور و حداقلی طرفدارانی هم دارد که شاید در فضای سیاست‌زده امروز به دنبال تثبیت قدرت خود هستند.

صفحه۲

ارزش واقعی بورس در دولت سیزدهم به شدت کاسته شده است

مهر سکوت برلبان منتقدان روحانی

۳

یادداشت ها

جامعه بین‌المللی باید پاسخگو باشد!

نرگس رامک
تحلیل‌گر سیاسی

۷ اکتبر ۲۰۲۳ روزی که جهان بخاطر خواهد ســـپرد، چگونه بیش از ۷۰ ســـال تلاش جامعه جهانی در نهادینه کردن اصول و مبانی حقوق بشر به مســـلخ برده شد! ۷۴سال پیش، پس از پایان جنگ جهانی دوم جامعه بین‌الملل برای محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ و در تلاش برای جلوگیری از جنگ‌های خانمان سوز در آینده و با هدف حفظ حقوق اساسی بشر تلاش نمود طی معاهدات گوناگون اصولی را در میان کشـــورهای جهان جاری و ساری نماید تا غیر نظامیان در همه جا و در هر شـــرایطی اعم از صلح یا جنگ مورد محافظت قرار گیرند.

۶

قفقاز همچنان ناآرام

بهرام امیر احمدیان
کارشناس منطقه قفقاز

با روی کار آمدن «میخائیل گورباچف» در نیمه دوم دهه هشـــتاد قرن گذشته و ایجاد فضای باز (گلاسنوســـت=در روســـی به معنی آشکار سازی)، موجب فوران خیزش‌های اختلافات قومی، ارضی و مرزی سرکوب شـــده و خفته در طی حکومت شـــوروی بود.یکی از مهم‌تریـــن کانون‌های فعال بحران‌های ارضی و مرزی شوروی قفقاز بود که در کنار عوامل اقتصادی و سیاسی بین‌المللی، موجب فراهم آمدن فروپاشی شوروی شد.ژانویه سیاه (یا شنبه سیاه) سال ۱۹۸۹ باکو که در نتیجه اختلاف بین ارمنی‌ها و آذری‌ها بود، زمینه‌ساز بحرانی شد که حتی پس از سه دهه هنوز قفقاز جنوبی را به کانونی از نا امنی و درگیری تبدیل کرده اســـت.

۱

یادداشت

جامعه بین‌المللی باید پاسخگو باشد!

نرگس رامک _ ۷اکتبر ۲۰۲۳ روزی که جهان بخاطر خواهد سپرد، چگونه بیش از ۷۰ سال تلاش جامعه جهانی در نهادینه کردن اصول و مبانی حقوق بشر به مسلخ برده شد.!

۷۴سال پیش، پس از پایان جنگ جهانی دوم جامعه بین‌الملل برای محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ و در تلاش برای جلوگیری از جنگ‌های خانمان سوز در آینده و با هدف حفظ حقوق اساسی بشر تلاش نمود طی معاهدات گوناگون اصولی را در میان کشورهای جهان جاری و ساری نماید تا غیر نظامیان در همه جا و در هر شرایطی اعم از صلح یا جنگ مورد محافظت قرار گیرند. در پی حملات۷ اکتبر توسط ارتش اسرائیل علیه مردم فلسطین به عنوان یک گروه ملی، نژادی و قومی که از سوی مجامع بین المللی پذیرفته و مورد شناسایی قرار گرفته اند و هم اکنون نیز توسط جامعه بین المللی مورد چشم پوشی قرار گرفته است؛ فجایع انسانی دهشتناکی در این نوار باریک که یکی از متراکم ترین مکان‌های پرجمعیت جهان است؛ رخ داد. رفتار با فلسطینیان در طول آپارتاید ۷۵ ساله، اشغال جنگ طلبانه ۵۶ ساله فلسطین و محاصره ۱۶ ساله غزه، از جمله نقض جدی و مداوم قوانین بین المللی ، از جمله نقض فاحش قوانین کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص حفاظت از اشخاص غیر نظامی در زمان جنگ و جنایات علیه بشریت همچنین اعمال و ترک‌فعل‌های شدیدی که ماهیت نسل‌کشی دارند، گویای ذبح کردن حقوق اساسی بشر است. ماه هاست که شاهد شکست نظام بین‌المللی در بسیج برای جلوگیری از نسل‌کشی علیه فلسطینی‌ها بوده‌ایم. نهادهای مختلف در سازمان ملل متحد بارها از جامعه بین المللی درخواست کردند تا اقدامی فوری برای پایان دادن به خطر نسل‌کشی علیه مردم فلسطین آغاز گردد، در تلاش برای فعال کردن مکانیزم‌های حقوقی و کیفری بین المللی از جمله دیوان بین المللی کیفری اقدامات متعددی برای شروع مسیری بسیار طولانی برای اثبات جنایات جنگی و نسل کشی توسط دولت و ارتش اسرائیل را آغاز کرده است؛ اما حقایق رخ داده در چند ماه گذشته نشان می‌دهد که در پس زمینه آپارتاید، اخراج، پاکسازی قومی، الحاق، اشغال، تبعیض، و انکار مداوم حق مردم فلسطین در برابر خودمختاری دولت اسرائیل، به ویژه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، دولت اسرائیل از نسل کشی جلوگیری نکرده و اقدام مستقیم و علنی نسل کشی را تحت پیگرد قانونی قرار نداده است. به طور جدی تر، اسرائیل در پیش چشم جهانیان درگیر اقدامات نسل کشی علیه مردم فلسطین در غزه است، این اعمال شامل کشتن فلسطینی ها، وارد کردن صدمات جدی روحی و جسمی به آنها و تحمیل عمدی شرایط زندگی برای آنها می‌شود؛ چنانکه اظهارات مکرر نمایندگان دولت اسرائیل، از جمله در بالاترین سطوح، توسط رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیر دفاع اسرائیل، بیانگر نیت نسل کشی است. از سوی دیگر این هدف همچنین از ماهیت و نحوه عملیات نظامی اسرائیل در غزه استنباط میشود، از جمله در تامین یا تضمین تامین غذا، آب، دارو، سوخت، سرپناه و سایر کمک‌های بشردوستانه برای محاصره شده ها، به طوریکه مردم فلسطین را تا مرز قحطی پیش برده است. همچنین از ماهیت، دامنه و وسعت حملات نظامی اسرائیل به غزه که شامل بمباران مداوم یکی از پرجمعیت‌ترین مکان‌های جهان در طول بیش از ۲۸ هفته از شروع تجاوز بوده و در اثر آن ۸۵ درصد جمعیت غزه مجبور شدند خانه‌های خود را ترک کنند و به مناطق کوچک‌تر و بدون سرپناه بروند که در آنجا نیز همچنان مورد حمله، کشته شدن و آسیب قرار می‌گیرند. غزه - محل زندگی تقریباً ۲,۳ میلیون نفر که تقریباً نیمی از آنها کودک هستند - توسط اسرائیل در معرض آنچه به عنوان یکی از سنگین‌ترین بمباران‌های متعارف در تاریخ جنگ‌های مدرن توصیف می‌شود، قرار گرفته و آن را به ویرانه ای تبدیل کرد. همین وضعیت فاجعه‌بار انسانی و رنج مردم غیرنظامی فلسطین منجر به تغییر رفتار در افکار عمومی جهانی شده است اما آنچه بیش از هر چیز دیگر ضروریست انجام اقدامات دیوان بین‌المللی کیفری علیه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل است.هرچند اسرائیل اساسنامه رم که مبنای صلاحیتی دیوان است را تصویب نکرده اما فلسطین به عنوان عضو ناظر دائمی سازمان ملل متحد صلاحیت دیوان را پذیرفته است؛ لذا دیوان اکنون می‌تواند با توجه به وقایعی که هم اکنون در حال رخ دادن است و بنا بر تحقیقاتی که در سال ۲۰۲۱ آغاز شد و حتی وقایع آغاز شده در سال ۲۰۱۴ توسط اسرائیل که آن را " عملیات تیغه حفاظتی "نامید را نیز پوشش می‌دهد که بر اساس آن غیر نظامیان بسیاری کشته شدند، وارد رسیدگی ماهوی شود. دادستان دیوان می‌تواند با صدور حکم بازداشت نخست وزیر اسرائیل بار دیگر در تلاش برای حفاظت از اصول و مبانی منشـــور سازمان ملل متحد و اصولی که بر اســـاس آن این دیوان شروع به کار نموده است موجب رستاخیزی برای تن بی جان حقوق بشر در جهان جنگ زده امروز شود.

غیر نظامیان بی‌گناه فلسطینی امروز در وضعیت وخیمی قرار گرفته اند، جنگی که نمی توانند از آن فرار کنند و نه برای آنها قابل تحمل است. دیدن اجساد در حال فساد نوزادان در بیمارستان‌های غزه، کشتن هزاران کودک، زن و مرد غیر نظامی که در چارچوب تعهدات بین المللی مرتبط با حفاظت از حقوق غیر نظامیان باید از جان آنها حفاظت می‌شد، موضوعی نیست که دادستان دیوان بین المللی کیفری بتواند آن را نادیده بگیرد. اقدام فوری دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند قدرت بی‌سابقه‌ای برای صدور حکم بازداشت علیه رهبران سیاسی ناقض حقوق غیر نظامیان در جنگ‌های خانمان سوزی که در گوشه و کناره جهان در حال رخ دادن است فراهم کند. در کنار تمام زمینه‌های قانونی جهت بازداشت مقامات اسرائیل توسط دیوان بین المللی کیفری از جمله اتهامات جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل کشی توسط ارتش اسرائیل که از آغاز جنگ در ۱۷اکتبر تاکنون بیش از ۳۵۰۰۰ نفر را در غزه کشته و بخش‌های زیادی از خاک غزه را ویران کرده، می‌تواند آبروری از دست رفته جامعه بین‌المللی در تصویب اصول و اهداف سازمان ملل متحد را باز گرداند.

تحلیل‌گر سیاسی

یادداشت

قفقاز همچنان ناآرام

بهرام امیر احمدیان _ با روی کار آمدن «میخائیل گورباچف» در نیمه دوم دهه هشتاد قرن گذشته و ایجاد فضای باز (گلاسنوست=در روســـی به معنی آشکار سازی)، موجب فوران خیزش‌های اختلافات قومی، ارضی و مرزی سرکوب شده و خفته در طی حکومت شوروی بود.

یکی از مهم‌ترین کانون‌های فعال بحران‌های ارضی و مرزی شوروی قفقاز بود که در کنار عوامل اقتصادی و سیاســـی بین‌المللی، موجب فراهم آمدن فروپاشـــی شوروی شد.ژانویه سیاه (یا شنبه سیاه) سال ۱۹۸۹ باکو که در نتیجه اختلاف بین ارمنی‌ها و آذری‌ها بود، زمینه‌ساز بحرانی شد که حتی پس از سه دهه هنوز قفقاز جنوبی را به کانونی از نا امنی و درگیری تبدیل کرده اســـت.اختلاف بر سر مساله استان خودمختار ارمنی‌نشین قره‌باغ در داخل مرزهای آذربایجان شوروی بود که در زمان شکل‌گیری جمهوری‌های قفقازی شوروی بنا به دلایلی در قلمرو آذربایجان قرار گرفته بود، در حالی که این استان در نزدیکی مرزهای جمهوری ارمنســـتان بود که در غرب این منطقه واقع شده بود. رابطه بین ارامنه قره باغ (ســـاکنان بومی این استان) با ارمنستان که در دوره شـــوروی امکان پذیر بود، در آســـتانه فروپاشی شوروی و اعلام آمادگی این استان برای پیوستن به ارمنستان یا کسب استقلال از جمهوری آذربایجان آغازی شد بر بحرانی عمیق در منطقه که هنوز هم به عنوان معضل اصلی برقراری صلح و امنیت در قفقاز است. پس از فروپاشی شوروی و کسب استقلال جمهوری‌های چهارده گانه تشکیل دهنده اتحاد شوروی و واگذاری کرسی دائم شوروی در شورای امنیت به روسیه به عنوان جانشین اتحاد شوروی و با وجود امضای اعلامیه "آلما آتا" در سال ۱۹۹۱ مبنی بر به‌رسمیت شناختن و محترم شمردن مرزهای سابق و استقلال و تمامیت ارضی جمهوری‌های شوروی سابق و امضای توسط سران، امکان برقراری امنیت و آرامش با درگیری‌هایی همراه بود که در نهایت جنگ خان‌مانسوزی بین ارمنی‌ها و آذری‌ها بروز کرد. چارچوب ســـازمان کشورهای مستقل مشترک المنافع، با بی‌ثباتی سیاسی ناشی از کسب استقلال در ساختار سیاسی جمهوری آذربایجان، ارمنی‌های قره باغ که خود را در محاصره نیروهای نظامی آذربایجان می‌دیدند با کمک ارمنستان (و در برخی گزارش‌ها با کمک کادرهای ارتش سرخ که در قفقاز ماندگار شده بودند) موفق به اعلام استقلال خودخوانده و درگیری نظامی با جمهوری آذربایجان و در نهایت اشغال نظامی پنج شهرستان آذربایجانی پیرامون منطقه قره‌باغ شدند.با تمهیدات شورای امنیت سازمان ملل آتش بس اعلام و گروه "مینسک" سازمان امنیت و همکاری اروپا از سوی شورای امنیت مسئولیت اداره امور قره باغ و حل مساله از مجاری دیپلماتیک را عهده‌دار شدند.از زمان اعلام آتش بس، ارمنستان و آذربایجان هر کدام راه جداگانه‌ای را دنبال کردند. آذربایجان به دلیل منابع قابل توجه نفت و گاز با مشـــارکت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی غربی، موفق به صدور انرژی خارج از کنترل روسیه (برادر بزرگ دوره شوروی) شد.

در عین‌حال ارمنستان توان خود را صرف نگه‌داری قلمروهای اشغالی و تامین نیازهای تسلیحاتی و رفاهی مردم این منطقه می‌کرد. هر چه آذربایجان از نظر اقتصادی و پشتیبانی غرب بیشتر بهره‌مند و قدرت اقتصادی، نظامی و وجهه سیاسی خود را تقویت می‌کرد، ارمنستان با جمعیتی حدود یک سوم جمعیت آذربایجان، از نظر بنیه دفاعی و اقتصادی ضعیف‌تر و وابسته به کمک‌های ارامنه ساکن در کشورهای دیگر می‌شد.در نوامبر سال ۲۰۲۰ که جمهوری آذربایجان با کمک‌های تسلیحاتی و مستشاری نظامی اسرائیل و ترکیه (و در برخی گزارشها نیروهای تکفیری از سوریه) با حمله ای برق آسا در طی ۴۴ روز موفق به بیرون راندن ارامنه از ســـرزمین‌های اشـــغالی شد. ورود مستقیم روسیه (به ابتکار و مشارکت مستقیم پوتین) به مناقشه قره باغ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و امضای موافقتنامه آتش‌بس بین دو طرف درگیر و روسیه، آغاز بحرانی پیچیده‌تر از بحران اصلی شد.روسیه قصد آن داشت که با اتصال قره‌باغ (در جوار مرزهای جمهوری اسلامی ایران) به دو کانون حضور نظامی روسیه در گرجستان(استان اوستیای جنوبی و جمهوری خودمختار آبخازیا)، و اعلام استقلال این دو واحد جدایی طلب گرجستان در سال ۲۰۰۸ و انضمام شبه جزیره کریمه از جمهوری اوکراین به روسیه در سال ۲۰۱۴ و ایجاد خط دفاعی حایل در برابر ناتو، مانع از گسترش این پیمان نظامی از سوی غرب و جنوب قلمرو روسیه شود(روسیه خود بزرگترین ناقض اعلامیه آلماتی بود که خود امضا کرده بود). حمله نظامی روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ بسیاری از معادلات قفقاز را بر هم زد.

مقاوت اوکراین با کمک غرب در برابر پیشروی‌های روسیه، موجب دور ماندن روسیه از موضوع قفقاز و نارضایتی ارمنستان، متحد روسیه در پیمان امنیت دسته جمعی(CSTO) شد.انفعال روسیه در کمک به ارمنستان در عملیات نظامی آذربایجان و شکست ارمنستان و در عین‌حال تهدیدات امنیتی آذربایجان علیه تمامیت ارضی ارمنستان در چارچوب برداشت‌های غیر حقوقی از یک موافقتنامه غیر حقوقی خارج از صلاحیت گروه مینسک(بدون مشارکت دو رئیس دیگر گروه مینسک فرانسه و ایالات متحده، روسیه به تنهایی ابتکار عمل را در دســـت گرفته و موافقتنامه آتش بس امضا کرده بود)، معادله قفقاز را پیچیده‌تر کرد.

براساس مفاد آن موافقتنامه، جمهوری آذربایجان دالانی به نام لاچین را در خاک خود(که از اشغال ارامنه آزاد کرده بود) در اختیار ارامنه قره باغ قرار می‌داد که ارامنه قره باغ با نظارت روسیه به ارمنستان رفت و آمد کنند. در برابر، ارمنستان امکان ارتباط زمینی بخش اصلی آذربایجان با برونگان آن در غرب (به نام جمهوری خودمختار نخجوان) را تعهد کرده بود. در عمل دالان لاچین گشوده نشد و نیروهای نظامی و شبه نظامی جمهوری آذربایجان منطقه قره‌باغ کوهستانی را در محاصره گرفتند و در نهایت ساکنان بومی ارمنی قره باغ ناگزیر به تبعید خودخواسته به ارمنستان شدند.اکنون ارمنی‌های ساکن قره باغ از جمهوری آذربایجان به دادگاه بین المللی شکایت کرده و آذربایجان را متهم به پاکسازی قومی کرده‌اند، هر چند دولت آذربایجان از بازگشت ارامنه به خانه خود در قره‌باغ استقبال و امنیت آنها را تعهد می‌کند، ولی ارامنه برای حفظ جان خود به سبب ناامنی و عدم تعهد تامین امنیت از سوی نیروهای پاسدار صلح روسی مســـتقر در قره‌باغ، از بازگشت به قره‌باغ انصراف داده‌اند. درگیری بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان هنوز ادامه دارد. ارمنســـتان از عضویت در سازمان امنیت دسته جمعی اعلام انصراف داده و ادامه کار کابینه "پاشینیان" با اعتراضات گسترده روبه روست. ارامنه به سبب موافقت پاشینیان با واگذاری چهار روستای ارمنی به جمهوری آذربایجان، مخالفت دارند. قفقاز همچنان ناآرام است. بازیگری هندوستان و فرانسه در ارمنستان سبب اعتراض و هشدار «علی‌یف» در باکو شده است.پاشینیان به سبب ناتوانی در اداره امور، مورد انتقاد بسیاری در ارمنستان است و تظاهرات گسترده‌ای علیه کابینه او در جریان است. روند امور در منطقه نشان می‌دهد که رئیسان دولت‌هایی که بدون پشتوانه دانش سیاسی، حقوقی و اقتصادی تنها بر جریان‌های هیجانی روی کار آمده‌اند، موجب نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی کشور خود شده‌اند.

دیپلماسی‌ایرانی
کارشناس‌منطقه‌قفقاز

سفیر پیشین ایران در کابل در باره «آب» به عنوان اهرم فشار آمریکا و اسرائیل به همراه حاکمان کنونی افغانستان می‌گوید

بازی طالبان با ایران

«ابوالفضل ظهره‌وند» سفیر پیشین ایران در افغانستان گفت: اگر چند روز پیش آب به سمت ایران روانه شد به خاطر سیلابی است که امکان مهار آن را نداشتند و مجبور شدند به سمت ایران بفرستند.«ابوالفضل ظهره‌وند» در ارزیابی تداوم سدسازی‌های افغانستان بر سر مسیر رودهای مشترک بین دو کشور و تاثیر آن بر ایران اظهار داشت: این روند قابل پیش‌بینی بوده و هست، نوع روابط و نگاه به افغانستان به‌گونه‌ای است که این اتفاقات خروجی آن است. اکنون طالبان در کنار امریکا علیه ایران همکاری می‌کند تصور آنها بر این بوده که ایران از جنبه آب آسیب‌پذیر است و در نظر دارند از آب به عنوان اهرم فشـــار علیه ایران در بهم ریختن ظرفیت ژئوپلیتکی منطقه و جابجایی مردم در مرزهای شرقی ایران و همچنین عدم سرمایه‌گذاری در کشور ما استفاده کنند، یعنی هم از مولفه تروریسم و هم مولفه آب علیه ایران استفاده می‌کنند.

به گزارش ایلنا، ســـفیر پیشین ایران در افغانستان گفت: سدی که بروی هریررود ساخته شد در واقع با پول هند و تامین سیمان و مهندسی از جانب ایران بوده است و کسی در آن زمان واکنشی نشان نداد. با اینکه سد کمالخان با سیمان ایران و کمک خودمان علیه خودمان ساخته شد و بعد شاهد بودیم که حامد کرزای موضوع نفت در برابر آب را مطرح کرد و دیپلماسی ایران سکوت کرد، اینها اتفاقاتی است که به دلیل عدم پاسخگویی سیاست خارجی ایران و عدم توجه به نظرات کارشناسی رخ می‌دهد.

وی بیان داشت: اکنون اوضاع افغانستان در حال فروپاشی و ویرانی است و همین آب موجود را هم نمی‌توانند اســـتفاده کنند. این آبی که حبس می‌کنند را فقط به مصرف کشت خشخاش می‌رسانند، دلیلی به ســـاخت این تعداد سد وجود ندارد. درواقع امریکا و اســـرائیل بدنبال استفاده از ابزار آب علیه ایران هستند و طالبان هم عامل آنها است، افغانستان نیازی به سد ندارد بلکه نیاز به سیستم آبیاری درست و آبخوان‌داری دارد. این کشور اکنون زیرساخت آبی نیاز دارد، ما در ایران روی روش‌های آبخوان‌داری تمرکز کرده‌ایم، افغان‌ها هم می‌توانســـتند به کمک ایران ظرفیت‌های کشاورزی خود را بهبود دهند.

ظهره‌وند بیان داشـــت: اگر سمت ایران خشک شود حتما روی کشورهای منطقه و همسایگان نیز تاثیر دارد، موقعیت اکوسیستم منطقه بهم بریزد همه کشورهای همسایه تاثیر خواهند پذیرفت. مثلا وقتی هامون خشک شد روی افغانستان هم تاثیر داشت، هیرمند شاهرگ حیاتی منطقه است وقتی خشک شود تمامی پایین‌دست خودِ افغانستان کوچ می‌کنند و زمینه برای قاچاق و تروریسم و ناامنی فراهم می‌شود. در این شرایط ما خاموش هستیم و حتی ناخودآگاه به این وضعیت کمک کرده‌ایم.

وی گفت: افغانســـتان با احداث سد «پاشدان» در نظر دارد همان مختصر آبی را هم که به سمت ایران روانه می‌شود، مهار کند، از این موضوع به عنوان اهرم فشار و بهم‌ریختگی در ایران استفاده می‌کند. آب هریررود به ترکمنستان هم می‌رفت و با سدسازی‌های افغانستان کل اکوسیستم در حال بهم ریختن است.

ســـفیر پیشـــین ایران در افغانســـتان در ادامه تصریح کرد: اکنون طالبان پول و متخصص ندارد که بخواهد پروژه سدسازی اجرا کند. اگر پول داشت اجازه نمی‌داد مردم افغان به سمت ایران سرازیر شوند، برنامه‌ای که افغانستان دنبال می‌کند بازی کثیف ژئوپلیتیکی اســـت. به طوری که آب را از آمودریا هم به کانال غیرفنی روان کرده‌اند در صورتی که ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان باید اعتراض می‌کردند، دیپلماسی ما نیز این مسئله را تبیین نکرد. احداث کانال قوش‌تپه نیز بر خلاف سهم آب مناطق است، افغان‌ها این آب را بر می‌دارند که منطقه و آسیای میانه را بهم بریزند و نیروها را جابجا کنند، درواقع قوم‌زدایی کنند و پشـــتون‌ها را به این منطقه ببرند، بعبارت دیگر تمامی هدف‌شان بر خلاف منافع منطقه است.

وی با تاکید بر اینکه دیپلماسی ایران باید در واکنش به این اقدامات افغانستان فعال عمل کند، گفت: طالبان مولفه و ابزار ژئوپلیتیکی غرب است و هدف‌شان ایجاد ثبات، امنیت و تحول مثبت نیست. بدنبال خلافت اسلامی و پروش جریان تروریستی علیه ایران، چین و روسیه و کل منطقه را دنبال هستند در غیر این صورت مردم خود را در کشور خودشان حفظ کرده و کاری نمی‌کردند که مجبور به مهاجرت شوند کسی که به ملت خود رحم نمی‌کند قطعا به مردم دیگر کشورها و از جمله ایران نیز رحم نمی‌کند